

احوال و خدمات
حاج مهدی ارجمند



حاج مهدی ارجمند

برخی از الواح حضرت عبدالبهاء به افتخار حاج مهدی ارجمند

هو الله

ای جناب رفیع ربیع بدیع، ببین که چقدر رفیعی که عبدالبهاء به کمال مهر و وفا در ذیل کوه کرمل، مقام اعلیٰ الان به یاد تو مألوف و به ذکر تو مشعوف، کانه حاضری و ناظری و با تو گفتگو می‌نمایم و خطاب دلجو می‌نمایم و تو را مشکینی خو می‌خواهم و هر نعمتی برای تو جستجو می‌کنم و نعمت عظمی تبلیغ است، مبارک یرلیغ است، عطای بلیغ است که به آن مؤیدی. پس اگر اسباب مهیا و مانعی در میان نه از همدان به سنه اردلان شتابی و لسان فصیح بگشائی و بیان بلیغ بنمائی و به حکمت محافل بیارائی مقبول درگاه کبریا است و سبب سرور احباء و رضایت اوداء. و علیک البهاء الابهی. ۲۷ ربیع الاول ۱۳۳۸. عبدالبهاء عباس.

هو الله

ای سلیل خلیل، امروز روز پاکی و آزادگی است و وقت عمل به وصایای انبیای الهی. تا توانی اغنام اسرائیل را در ظلّ عنایت شبان آسمانی درآور تا گلّه و رمه شده در چمن عزّت قدیمه سبزه موهبت که مائده آسمانی است بچرند و از چشمه عنایت بنوشند و چون از پریشانی رها یافته جمع شوند و انجمن گردند موهبت آسمانی رخ بگشاید و عنایت ربّ جنود حاصل گردد. ع

هوالبهی

ای ثابت بر میثاق، شکر کن ربّ جلیل را که حضرت خلیل را در ملکوت الهی متباهی نمودی و ندا می‌فرماید: ای فرزند ارجمند و ای ولد دانشمند، شمع وفا برافروختی و چون پروانه حول سراج کبریا بال و پر بسوختی. دیده از جهان و جهانیان بدوختی و در سینای دل آتش تجلی برافروختی. عصای یقین افکندی و ثعبان مبین نمودی. جبال ظنون و اوهام اهل شبهات را محو نمودی و از چشمه هدایت کبری نوشیدی و ید بیضاء ثبوت و رسوخ نمودی. و البهاء علیک. عع.

هوالله

ای بنده حضرت ابهی و سهیم و شریک عبدالبهاء در عبودیت آستان مقدّس جمال کبریا، زبان بگشا و نطق فصیح مشاهده نما. آئینه دل پاک را مقابل نما و اشراق آفتاب مشاهده کن. روح را پرفتوح کن و تأیید روح القدس بین. چشم را به افق مبین باز کن و پرتو نور یقین ملاحظه نما. حمد کن خدا را که در آستان مقدّس مقبولی و در تماشاگاه راز محرم و محبوب؛ مؤیدی و موفق؛ منصور و مظفر. طوبی لک من هذا الفضل العظیم؛ بشری لک من هذا الفيض الجلیل. عن قریب نتائج عبودیت آستان را خواهی یافت. عع.

احوال و خدمات حاج مهدی ارجمند

ایرج ایمن

مقدمه

از جمله ناشرین شهیر نفحات الله و مبلغین موفق امرالله در ایران حاج مهدی ارجمند همدانی بود که در سبیل هدایت ابناء خلیل گوی سبقت از همگان بر بود و تألیفات و خدماتش مورد تأیید و تحسین مرکز میثاق و زینت بخش صفحات تاریخ امر اعظم و سبب تقویت و مزید اعتبار و حیثیت جامعه بهائی همدان گردید.

همدان به سبب سوابق ممتد تاریخی و آثار مهم باستانی و آرامگاه‌های ابوعلی سینا و بابا طاهر عریان مورد توجه خاص عموم ایرانیان و ایران‌شناسان است. مقبره تاریخی استر و مردخای از اماکن مقدسه قوم یهود در این شهر قرار گرفته و همدان از مراکز عمده جامعه یهودیان ایران محسوب می‌گردد. این شهر در اواخر قرن گذشته و اوائل قرن کنونی از مراکز عمده بازرگانی و نظامی ایران بود و چون در تقاطع راه‌های بازرگانی و سوق الجیشی قرار گرفته بود روز به روز بر رونق و اعتبارش افزوده می‌شد و نفوس بسیاری از نقاط دور و نزدیک بدان شهر مهاجرت می‌کردند. بدین ترتیب جمعیت همدان مخلوطی بود از اقوام مختلف و پیروان ادیان و مذاهب گوناگون. علاوه بر جامعه قدیمی یهودیان و اکثریت مسلمان اعم از شیعه و سنی تعداد قابل ملاحظه‌ای از ساکنان شهر را بهائیان تشکیل می‌دادند. همچنین گروه‌های مختلف مسیحی اعم از ارمنه و آسوری‌ها و نفوسی که به تازگی

تحت تأثیر و تلقین میسیونرهای مسیحی به کلیسای پرتستان پیوسته بودند نیز ساکن همدان بودند. بنا بر این شهر همدان علاوه بر آنکه مرکز داد و ستد تجاری و رفت و آمد نظامی بود، محلّ برخورد آراء و عقاید و افکار ملل و نحل گوناگون نیز واقع شده بود.

مبلّغین و فضیلاي بهائی غالباً به همدان سفر می کردند و گاه مدّت ها ساکن آن دیار می شدند. بازار تبلیغ رواج داشت. جامعه بهائی که روز به روز بر وسعت و اعتبارش می افزود بسیار فعّال و از بسیاری جهات پیشقدم و مؤسس اقدامات اجتماعی بود.

در شرائطی که برخورد آراء و عقاید رهبران و پیروان ادیان و مذاهب گوناگون میدان وسیعی برای کوشش های تبلیغی به وجود آورده بود، حکیم آقا جان که از کاهنان و سادات بنی اسرائیل بود و نسبش به حضرت هارون می رسید و مقام و موقعیتی خاصّ در جامعه یهود داشت به امر الهی اقبال نمود. در نتیجه تعدادی کثیر از ابناء خلیل در مدّتی قلیل در ظلّ شریعة الله وارد شدند.^۱ استقبال روزافزون مسلمانان و یهودیان از امر نوظهور بهائی سبب تحریک بغض و عناد رؤسا و زعمای این ادیان و ادیان دیگر نسبت به بهائیان گردید.

در چنین اوضاع و احوالی بود که جوانی از ابناء خلیل به نام مئیر یا مهدی آقا رفیعا به امر بهائی اقبال نمود و چون ستاره صبحگاهی در آسمان جامعه بهائی بدرخشید و در اندک زمانی از انجم بازغه عرفان و ایقان و نشر نفحات حضرت رحمن گردید و در این میدان جلوه و ظهوری بدیع نمود و سرآمد مبلّغین و مدافعین امر نازنین شد.

سوابق خانوادگی

حاج مهدی ارجمند به سال ۱۲۴۰ ه. ش. مطابق ۱۸۶۱ م. در همدان به دنیا آمد. پدرش آقا رفائیل معروف به "آرفوعا" از ابناء خلیل و مادرش خاتون، خواهر حکیم آقا جان، دوّمین همسر آقا رفائیل بود. حکیم آقا جان نخستین بهائی یهودی در همدان و سرسلسله احتبای کلیمی تبار آن سامان بود. خاتون از این ازدواج دو فرزند داشت که یکی از آنها حاج مهدی بود. حاج مهدی ابتداء "مئیر" نامیده می شد اما بنا بر شرحی که موسی امانت نگاشته است خواهران حکیم آقا جان پس از ایمان «تصمیم گرفتند که هر یک نام یکی از اولاد ذکور خود را مهدی بنامند.»^۲ لذا خاتون خانم نام پسر خود مئیر را به "مهدی" تبدیل نمود و بدین ترتیب بود که وی را "مهدی آرفوعا" می نامیدند.

آقا مهدی پس از آنکه به امر بهائی اقبال نمود و سفری به ارض اقدس کرد و به زیارت اعتبار مقدّسه و مقامات متبرّکه آن اراضی مشرف شد بنا بر رسم آن روزگار به نام حاج مهدی همدانی شهرت یافت. هنگامی که مقرر گردید که همه اتباع ایران شناسنامه داشته باشند و تعیین نام خانوادگی ضرورت یافت حاج مهدی به شرحی که بعداً خواهد آمد چون در یکی از الواحی که از یراعه

حضرت عبدالبهاء به افتخارش نازل شده بود او را «ای فرزند ارجمند و ای ولد دانشمند» حضرت خلیل خطاب فرموده بودند نام خانوادگی «ارجمند» را برگزید و از آن پس به نام «حاج مهدی ارجمند همدانی» معروف گردید.^۳

تحصیلات و حرفه

تحصیلات اولیّه حاج مهدی محدود به تعلیمات مکتبخانه اطفال یهودی بود و در آن جا خواندن و نوشتن عبری و دروس دینی مربوط به تورات و تلمود را نزد ملا ابراهیم پسر ملا یعقوب فراگرفت. در مکتبخانه‌های آن زمان گروه‌بندی برای کلاس‌های مختلف وجود نداشت. همه شاگردان در یک اطاق تحصیل می‌کردند و هر یک درسی مخصوص به خود داشتند. مکتبخانه در تمام سال شاگرد جدید می‌پذیرفت که از همان روز اول مشغول به تحصیل می‌شد. هر شاگرد هر درسی را که فرا می‌گرفت به معلم ارائه می‌داد و دروس جدید به او داده می‌شد. بنا بر این پیشرفت هر شاگرد بستگی به استعداد و پشتکار او داشت و ممکن بود که در یک روز بیش از یک درس یا دروس جدید فراگیرد. حاج مهدی با علاقه شدید به تحصیل و استعداد فطری بسیاری که داشت از شاگردان دیگر سریع‌تر یاد می‌گرفت و پیوسته درس جدید می‌خواست. او خیلی زود دوره تحصیل در مکتبخانه را به پایان رساند و در پی حرفه پدری به فراگرفتن شغل زرگری پرداخت و بعدها ساعت‌سازی را نیز پیش خود بیاموخت.^۴

حاج مهدی پس از ایمان به امر مبارک و حضور در محافل و مجالس بهائی و استماع آیات و مناجات‌ها از اینکه از سواد فارسی محروم بود سخت رنج می‌برد. لذا تصمیم گرفت این کمبود را بر طرف سازد. در اثر استعداد فطری که داشت در اندک زمانی خواندن و نوشتن فارسی را فراگرفت و چون آثار مبارکه به هر دو زبان فارسی و عربی است و عربی و عبری دارای ریشه مشترک هستند به زودی بر خواندن آثار عربی و آیات قرآنی تسلط یافت به نحوی که در مباحثات تبلیغی در نهایت سهولت و روانی به آیات قرآن استشهاد می‌نمود و الواح مبارکه را از حفظ تلاوت می‌کرد و کتاب گلشن حقایق شاهد بارزی از تسلط او بر زبان فارسی و آیات قرآنی و الواح و آثار عربی است.^۵

شغل حاج مهدی زرگری و ساعت‌سازی بود و در تیزابگری طلا و نقره تخصص داشت و بنا بر یادداشت‌های موسی امانت «صاحب ثروت و اعتبار» بود.

اخلاق و رفتار

معاصرین حاج مهدی جملگی به صفات حسنه و فضائل و اخلاق مرضیه و خضوع و خشوع و بزرگواری وی شهادت داده و داستان‌ها نقل کرده‌اند. از جمله عزیزالله سلیمانی از یادداشت‌های

روزانه میرزا مهدی اخوان الصفا از مبلغین مشهور و موفق عهد میثاق نقل کرده است که نظر به اختلاف شدیدی که بین حاج مهدی و آقا رفائیل زرگر (امیدواران) بروز کرده بود و حقّ به جانب حاج مهدی بود قرار شده بود چند نفر از اعضای محفل روحانی آقا رفائیل را به منزل حاج مهدی ببرند و تقاضا نمایند که حاج مهدی از حقّ خود صرف نظر نماید و اختلاف مزبور خاتمه یابد. لذا اعضای محفل ابتدا به منزل حاج مهدی رفتند که وی را برای چنین برخوردی آماده نمایند. حاج مهدی به محض اطلاع بر رأی محفل روحانی برخاست و همراه اعضای محفل به منزل آقا رفائیل رفت و در حضور جمع از آقا رفائیل عذرخواهی نمود و بدین ترتیب نه تنها به اختلاف موجود پایان داد بلکه این رفتار جوانمردانه او سبب شد که روز بعد آقا رفائیل به اعضای محفل روحانی مراجعه کرد و از رفتار گذشته خود بی اندازه اظهار شرمساری نمود و از طرز رفتار حاج مهدی نهایت تشکر و امتنان را ابراز داشت و کسب تکلیف کرد که چگونه می تواند تلافی مافات کند و از خجالت حاج مهدی درآید که سزاوار گذشت و بزرگواری او باشد. بنا بر قول اخوان الصفا این رفتار حاج مهدی سبب تذکر و انتباه خیلی از نفوس گردید.

عزیزالله سلیمانی که حاج مهدی را در سال ۱۳۰۳ ه. ش. در همدان ملاقات نموده بود می نویسد که ایشان مردی ملایم، متواضع و خوش لباس و دارای هیکل و اندامی متوسط بود. قیافه ای موقر و خوش آیند داشت و شمرده و آرام صحبت می کرد.

اقبال به امر بهائی

در سال ۱۲۹۵ ه. ق. (۱۸۷۸ م.) ایادی امرالله میرزا علی محمد ابن اصدق از خراسان به همدان آمد و در خانه آقا محمد جواد و آقا محمد باقر برادران نراقی اقامت نمود و به تبلیغ و تبشیر امر الهی پرداخت. از جمله نفوسی که در جلسات تبلیغی ابن اصدق حضور یافت و پس از چندین شبانه روز مذاکره و مطالعه و تفحص به امر الهی اقبال نمود حکیم آقا جان پسر یکی از کهنه یهود به نام العازار بود که نسبش به حضرت هارون پیغمبر می رسید و در جامعه یهود همدان مورد توجه و احترام خاص و عام بود. حکیم آقا جان مفتون خلق و خوی ملکوتی آقا محمد جواد نراقی بود و با وی مؤانس و محشور، و پس از ایمان به امر بهائی قیام به تبلیغ امر در بین خویشان و هم کیشان خود نمود و تعداد کثیری از رجال و نساء کلیمی را در ظلّ شریعت الهی درآورد. از جمله این مصدّقین یکی هم خواهرزاده او حاج مهدی بود که خود شرح تصدیقش را به این نحو در کتاب گلشن حقایق نگاشته است: «این فانی نیز به تشویقات ایشان [حکیم آقا جان] با دقت تمام در صدد تحقیق و مجاهده برآمدم زیرا از آیات کتاب استنباط می شود که شخص مجاهد را خدا هدایت می فرماید...»^۶ و پس از ذکر آیات مربوطه از تورات و انجیل و قرآن می نویسد:

«و نیز فهمیدم و دانستم که از تقلید آباء و تعصّب اجداد و بعضی از حجبات که سبب گمراهی هر طائفه‌ای هست باید بیزار شد و به دقت تمام در فرق و امتیاز بین حقّ و باطل سعی گشت. تا آنکه به میزان عقل و دلیل کتب مقدّسه به عون و عنایت الهی اطلاع و آگاهی حاصل گردید که لابدّ باید مدّعی من عند الله در جمیع شئون مثیل و نظیر نداشته باشد و احدی از خلق در مقابل او اظهار مثلّیت نتواند نمود بدان گونه که در مقابل هیچ یک از انبیای حقّه نفسی چنان که باید و شاید اظهار و اتیان مثلّیت در شئون و آثار حقیّت نتوانست و اگر نفسی مدّعی شود و اتیان به مثل نماید لابدّ حقّ و من عند الله است. زیرا اگر بگوئیم ممکن است باطل به مثل حقّ قیام کند اثبات حقیّت انبیاء محال می‌شود و امتیاز بین حقّ و باطل حاصل نمی‌گردد و این میزان از آیات کتاب نیز به دست تورات و قصص انبیاء و در انجیل و نامه‌های حواریان نظر نموده آنچه را که انبیاء دلیل قاطع بر صدق دعوی خود بیان نموده‌اند و جمیع من فی الوجود را از اتیان به مثل آن عاجز کرده‌اند اعظم و اتمّ آن را از این وجود و ظهور مبارک مشاهده نمودم و همچنین آن حجباتی که خود و بنی اسرائیل را در ظهور مسیح به آن مبتلا دیدم بعینه در این ظهور اعظم سایر امم را به آن گونه حجبات محتجب و گرفتار مشاهده کردم.»^۷

حاج مهدی پس از اقبال و ایمان به امر الهی با کمال شور و شوق به تبلیغ امرالله پرداخت و در این خدمت مهارت و شهرتی به سزا یافت و در اثر تسلّط کم‌نظیری که بر کتب مقدّسه یهود و مسیحیان و مسلمین داشت در استدلال تبلیغی و دفاع از مصالح جامعه بهائی سرآمد یاران همدان گردید و در همان ابتدای تصدیق به امر مبارک از قلم اعلیٰ مفتخر به نزول لوح مبارک ذیل گردید:

جناب مهدی علیه بهاء الله

هو المنادی فی سدره الانسان

یا مهدی، امروز سدره به قد اتی الحقّ ناطق و ندای طور مرتفع. حضرت کلیم با یک عصا بر اسیاف عالم زد و مالک قدم با یک قلم بر ظنون و اوهمات امم. حمد کن مقصود عالمیان را که ندایش را شنیدی و به آثار قلمش فائز شدی. قدر این مقام را بدان و به خدمت امر قیام نما. این است امر مبرم الهی. طوبی لک و لمن فاز بما امر به فی لوحه المحفوظ. قل الهی الهی لک الحمد بما اسمعتنی ندائک و اریتنی آثارک و شرفتنی بقاء لوحک الذی لاح من افقه نیر عنایتک. اشهد انک انت الفضال و انک انت الفیاض الغفور الرحیم. اسئلک ان لا تخیننی عن بحر جودک و لا عن انوار شمس عطائک. اشهد و یشهد الکائنات بعلوک و سموک. قدر لی و لمن آمن بک ما قدرته لاصفیائک. انک انت الجواد الکریم. الحمد لک اذ انک انت مقصود العارفين.

فاضل مازندرانی می نویسد:

«... حاجی مهدی ارجمند بن آقا رفائیل (آقا رفیعا)... یگانه مبلغ بی نظیر یهود و مسیحی از طریق کتب مقدسه بود چه در لغت عبرانی و آئین یهود و کتب مقدسه آنان و مسیحیان و تفاسیر ملایان و احوال و اخبار و تواریخشان احاطه داشت و ملایان یهود و کشیشان مسیحی هر جا دچارش می شدند جز سکوت و خضوع و یا گریز و فرار چاره ای نیافتند و به درجه ای رسید که هر مجلسی می دانستند حاجی مهدی حاضر است قدم نگذاشتند و خصوصاً مبلغین پروتستان امریکائی که برای مسیحی نمودن یهود ایران تحمل مصاریف باهظه همی کردند.»^۸

عزیزالله سلیمانی نیز می نویسد: «در تمام ایران شهرت داشت که جنابش [حاجی مهدی] در اطلاع و احاطه به کتب عهد عتیق و جدید یعنی تورات و انجیل و ملحقات آن دو کتاب بی نظیر است.» و اضافه می نماید که

«به قول احتبای همدان حاج مهدی همیشه سه کتاب بغلی همراه داشت: یکی تورات، دیگری انجیل و سیمی قرآن و در هر مجلسی که صحبت دینی به میان می آمد شروع به استدلال از کتب مقدسه و قرآن مجید بر حقایق این امر اعظم می نمود. آیات بسیار از هر سه کتاب بر مستمع فرو می خواند و هرگاه شنونده محلّ و موقع آیات را جو یا می شد بلا تأمل رساله یا سوره و شماره آیه را ذکر می نمود و اگر مستمع نمی پذیرفت فوراً کتاب را بیرون می آورد و آیه را نشان می داد.»^۹

حاج مهدی چنان بر مندرجات کتب عهد عتیق و عهد جدید تسلط داشت که در جریان مناظره و مباحثه با دکتر هلمز (G. W. Holmes) امریکائی که شرح آن بعداً خواهد آمد دکتر هلمز مجذوب و مبهور این احاطه و اطلاع ایشان شده بود و «بارها اقرار کرد که جناب ارجمند مثل این است که تورات و انجیل را خودش گفته است.»^{۱۰} و نیز حکایت کرده اند که حاج مهدی با یکی از یهودیان کردستان که بسیار متعصب و تا اندازه ای نیز مطلع از تورات و تفاسیر آن بود صحبت تبلیغی می کرد. مبتدی مزبور اعتراض کرد که چرا حضرت نقطه اولی مانند انبیای بنی اسرائیل قدرت نمائی ظاهری نمود و به دست دشمنان مقتول گردید؟ حاج مهدی در جواب صدمات و آزاری که به انبیای بنی اسرائیل وارد آمده را یاد آور شد و از جمله جریان قتل زکریای نبی را در معبد مقدس اورشلیم شاهد آورد. مبتدی مذکور منکر این واقعه گردید. حاج مهدی اظهار کرد که بدون سند و مأخذ صحبتی نمی کند اما طرف قانع نشد، لذا از نگارنده این واقعه (موسی امانت) خواست که تورات را بیاورد. کتاب را گرفت و مانند افرادی که تفأل می زنند کتاب را گشود که همان صفحه مورد نظر آمد و

این آیه را به شخص معترض ارائه داد که نوشته است: «آیا شما نبودید که نبی خدا و کاهن او را به قتل رساندید؟» مخصوصاً تصریح شده است که هم نبی بود و هم سمت کهنات داشت. از ملاحظه این آیه شخص مزبور دچار حیرت گردید و قسم خورد که بارها تورات و ضمائم آن را خوانده اما هرگز متوجه چنین مطلبی نشده است.

زیارت اعتاب مقدسه و اسفار تبلیغی

حاج مهدی ارجمند در سال ۱۳۲۵ ه. ق. سفری تبلیغی به کرمانشاه رفت و چند ماه در آن مدینه اقامت نمود. نظر به اینکه در یکی از الواحی که حضرت عبدالبهاء به افتخار وی صادر فرموده‌اند توصیه می‌نمایند که در صورت امکان سفری به سینه اردلان برود موسی امانت احتمال می‌دهد که در هنگام اقامت در کرمانشاه حاج مهدی بنا بر اراده مرکز میثاق سفری هم به کردستان نموده باشد.

حاج مهدی در ذی‌قعدة سال ۱۳۲۶ ه. ق. به اتفاق چند نفر از اجبای همدان به ارض اقدس سفر نمود و به زیارت اعتاب مقدسه و تشرف به حضور حضرت عبدالبهاء توفیق یافت و سه هفته از محضر مبارک مستفیض گردید و در مراجعت از ارض اقدس مدتی در شهر رشت اقامت نمود و به نشر نفاتح الهیه در آن دیار پرداخت و با طبقات عالی آن مرز و بوم مذاکرات امری نموده و کلمه الله را ابلاغ کرد.

در سال ۱۳۱۲ ه. ش. حاج مهدی همدان را ترک گفت و در طهران سکونت اختیار کرد و در سال ۱۳۱۵ ه. ش. بنا بر صلاح دید محفل روحانی طهران برای تبلیغ ابناء خلیل سفری به شیراز نمود. اما در اثر مخالفت شدید یهودیان آن شهر و توسل آنان به حکومت با آنکه حاکم شیراز مدتی را به تعلل و تسامح گذراند بالاخره ناچار شد از حاج مهدی التزام بگیرد که در ظرف سه روز از شیراز خارج شود و ایشان به طهران بازگشت.

خدمات و موفقیت‌های تبلیغی

حاج مهدی پس از فوز به ایمان حیات خود را وقف خدمات تبلیغی نمود و به تدریج از ادامه حرفه‌ای که داشت به خاطر وقف اوقات به تبلیغ امر الهی صرف نظر کرد و به راستی سرحلقه‌منادیان امر حضرت رحمن گردید. مشهورترین اقدام تبلیغی وی مناظرات معروفی است که با دکتر هلمز امریکائی داشته و جریان مذاکرات مزبور را بعداً به صورت کتاب گلشن حقایق منتشر ساخته است. شرح آن واقعه به اجمال به قرار ذیل است:

در سال ۱۳۱۴ ه. ق. (۱۸۹۶ م.) حاجی حکیم داود برادر حاجی حکیم هارون که از سفر زیارتی به اراضی مقدّسه به همدان مراجعت کرده بود با اقدامات دکتر هلمز امریکائی که به منظور طبابت و تبلیغ یهودیان به مذهب پرستان ساکن همدان شده بود مواجه شد. او به دکتر هلمز گفت شما با دو مدّعی یکی اسلام و دیگری بهائیت نیز مواجه هستید. دکتر هلمز اظهار داشت که در تبریز با بهائیان صحبت کرده است و مطالبشان را با مندرجات کتب مقدّسه موافق نیافته است ولی مع ذلک حاضر است مجدداً با بهائیان مذاکره کند. حاجی داود به امید آنکه چنین مذاکراتی سبب انتباه یهودیانی که به امر بهائیان اقبال کرده‌اند خواهد شد با احتیاط تماس گرفت و قرار شد مناظره و مباحثه‌ای بین دکتر هلمز و حاج مهدی با حضور سلیمان الیاهو (نهایندی) ترتیب داده شود. این مجلس در روز شنبه‌ای در منزل حاج مهدی تشکیل شد و دو نفر از محصلین مدرسه امریکائی همدان به نام‌های میرزا موسی و میرزا دانیال مترجم طرفین شدند و قرار شد که سؤال و جواب‌ها نوشته شود.

چون مذاکرات طرفین در جلسه مزبور خاتمه نیافت قرار شد که شنبه بعد در منزل دکتر هلمز به همان ترتیب جمع شوند و مباحثه را ادامه دهند و این جلسات هفتگی روزهای شنبه مدّت یک سال و نیم ادامه یافت^{۱۱} و متواضعانه در منزل حاج مهدی و دکتر هلمز تشکیل شد. آخر الامر دکتر هلمز چون از تغییر عقیده احتیاطاً مأیوس گردید از ادامه جلسات معذرت خواست ولیکن در اثر این مذاکرات به حقایق امر بهائیان واقف گشت و نسبت به امر نظر مساعدی پیدا کرد. صورت این مذاکرات چنانچه خواهد آمد بعداً به صورت مجموعه‌ای جمع‌آوری گردید و حاج مهدی جریان را به حضور مبارک حضرت عبدالبهاء معروض داشت و از قلم میثاق لوح ذیل به افتخار وی عزّ نزول یافت:

هو الله

همدان - جناب آقا مهدی رفیعاً علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای بنده الهی، ورق مسطور رقّ منشور گردید و مطالب روشن و واضح بود. دو دست شکرانه به درگاه خداوند یگانه بلند نما و حمد و ثناگو و ستایش و نیایش کن که به چنین موهبتی موفّق و مؤید گشتی که در اثبات حقیقت نبأ عظیم دلایل و حجج قاطعه و برهان مبین از کتب قدیم استخراج نمودی و هذا من فضل ربّک یؤید به من یشاء من عباده و الله ذو فضل عظیم. تألیف مذکور را البتّه ارسال نمائید تا به مطالعه‌اش روح و ریحان حاصل گردد. تا توانی شب و روز به جان و دل بکوش تا به خدمت آستان مقدّس موفّق گردی. این است فوز عظیم؛ این است نور مبین. باری، تا توانی به تبلیغ امرالله مشغول شو و در نشر نفعات الله بکوش. این است جوهر امرالله و رضاء الله و مغناطیس تأیید الله. تا توانی در این مورد جانفشانی نما و در این اوقات چون صبیان

نقض از هر جهت علم فساد بلند نموده‌اند لهذا حضور اجباء مشکل است. قدری صبر فرمائید، وقتش خواهد آمد. و من به عوض آن جناب در عتبه مقدسه زیارت نمودم و طلب تأیید در تبلیغ نمودم تا مظهر عون و عنایت حضرت احدیت گردی. جناب حاجی ملا میرزا محمد و جناب آقا محمد جواد و جناب آقا محمد باقر و جناب نبیل مسافر کل را از قبل این عبد تکبیر ابدع ابهی ابلاغ نمائید. و البهاء علیک و علی کل عبد اواب. ع.ع.

لذا حاج مهدی آنچه را که جمع آوری نموده بود به صورت کتابی تدوین و تنظیم نمود و به حضور حضرت عبدالبهاء تقدیم کرد. عنوان کتاب یعنی گلشن حقایق مأخوذ از لوحی است که قبل از وصول کتاب مزبور به حضور مبارک، به افتخار حاج مهدی صادر گردیده و متن آن این است:

جناب آقا مهدی ابن رفیعا علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای مروج دین الله، هر چند سفر بدیع تا به حال نرسیده ولی چون آن کتاب مستطاب گلشن حقائق و معانی است و محتوی بر بشارات انبیاء ربانی لهذا رایحه طیبه‌اش قبل الوصول به مشام رسیده. این تألیف تأیید است و این سفر توفیق رب جلیل. شکر کن خدا را که در یوم ظهور اورشلیم جدید به خدمت بنیان قصر مشید موفق گشتی. این اورشلیم بنیان آسمانی است و این اورشلیم مدینه رب رحیم. انشاء الله در قطب این اورشلیم یک بنیانی بلند نمائی که نمایان بر جمیع اقالیم باشد. و البهاء علیک. ع.ع.

مباحثه با دکتر آلن

از دیگر مباحثات تبلیغی حاج مهدی که زبانزد خاص و عام گردید محاوراتی است که با دکتر آلن (Dr. Allen) روی داده است. دکتر آلن سمت سرپرستی و ریاست هیأت مبشرین مسیحی (میسوئرها) را در همدان عهده‌دار بود و جریان این واقعه را موسی امانت که شاهد و حاضر بوده به این مضمون نقل کرده است:

«بعضی از یهودیان همدان که در اثر تبلیغات مبشرین مسیحی به دیانت مسیح متمایل شده بودند با اجبا نیز محشور بودند و با آنان مذاکراتی در اثبات حقایق حضرت محمد و حضرت بهاء الله صورت گرفته بود. این افراد چون در مقابل حجت و برهان اجبا عاجز مانده بودند از مبشرین مسیحی خواستند که جلسه‌ای تشکیل شود تا مبلغین بهائی و مبشرین مسیحی با هم مذاکره و مباحثه نمایند و از این مباحثات تکلیف خود را بیابند.

یاد دارم در یکی از شب‌های بسیار سرد همدان این جلسه در منزل دکتر آلن رئیس هیأت مبشرین مسیحی در همدان تشکیل شد و عده‌ای از مسیحیان امریکائی، ارمنی و اسرائیلی از اهل همدان که اکثریت را تشکیل می‌دادند حضور داشتند و از طرف احبّاً جناب عبدالحمید اشراق‌خاوری و جناب مهدی ارجمند مأمور مذاکره و مناظره بودند و عده‌ای از احبّای الهی از جمله نگارنده نیز در خدمتشان به منزل دکتر آلن وارد شدیم. ابتدا جناب اشراق‌خاوری آغاز سخن و ایراد نطق غزائی نمودند که ناگاه یکی از مستمعین ارمنی به بانگ بلند اعتراض نمود که این آیات و جملات چیست که شما می‌خوانید، ما که اصلاً معنی آنها را نمی‌فهمیم. به علاوه ما که این آیات را قبول نداریم. همه‌ای در جمع پیچید و جناب اشراق‌خاوری جلوس نمودند و بعد جناب ارجمند فرمودند با این رویه به مقصد نمی‌رسیم. اگر مقصودتان کشف حقیقت است یک نفر را از طرف خود انتخاب کنید و از طرف ما هم یک نفر مذاکره خواهد نمود و دیگران همه مستمع باشند. این پیشنهاد پذیرفته شد. از جانب حضرات مسیحی جناب دکتر دانیال خان ارشادی و از طرف احبّاً حاجی مهدی ارجمند تعیین گردیدند. از آن پس مذاکرات بر محور کتب عهد عتیق و عهد جدید جریان یافت. عمده اشکال در حلّ این مسأله بود که مسیحیان شدیداً معتقدند که کلمات انجیل غیر قابل تأویل و تفسیر است و بشاراتی که در آنها آمده همه باید به صورت ظاهر تحقّق یابد. هرچه جناب ارجمند اتیان دلیل از آیات می‌نمودند دکتر دانیال بر عقیده خود پافشاری می‌نمود تا اینکه جناب ارجمند سؤال کردند که جناب ارشادی، شما به حضرت مسیح ایمان دارید؟ دکتر دانیال پاسخ داد: بلی، جانم به فدایش. جناب ارجمند فرمودند: پس حالا که ایمان به این محکمی دارید به این بیان حضرت مسیح توجه بفرمائید که می‌فرماید "اگر نفسی به اندازه خردلی ایمان من در وجودش باشد چنان که به کوه‌های دنیا فرمان حرکت دهد آنها را از جای خود تکان می‌دهد." آیا این بیان حضرت مسیح را زیارت کرده‌اید؟ دکتر دانیال اظهار داشت: بلی، صحیح است، و شروع کرد به از حفظ خواندن آیه مزبور. جناب ارجمند فرمودند بسیار خوشوقتم که شما این قدر ایمانتان محکم است. من از تکان دادن جبال صرف نظر می‌کنم؛ شما لطفاً به این قنّدانی که روی میز جلو من است بفرمائید نزد شما بیاید. معلوم است که قنّدان هرگز حرکت نکرد و مهمه عجیبی در بین حضار افتاد و جناب ارجمند نتیجه گرفتند که خوب، دیدید که تحقّق این کلمات بر حسب ظاهر امکان‌پذیر نیست؟ پس سایر بشارات نیز معانی روحانی باطنی دارد. شور و نشاطی که از این جریان در احبّاً ایجاد شد حدّ و وصف ندارد.^{۱۲}

عزیزالله عزیزی در خاطرات خود که به صورت کتابی تحت عنوان تاج و هاج منتشر شده است جریان مقابله حاج مهدی ارجمند را با علمای یهود در طهران به شرح ذیل یادداشت نموده است:

در جلسه تبلیغی بسیار مهمی که در محله کلیمی‌های طهران با حضور حاج مهدی ارجمند، حضرت ایادی امرالله جناب ادیب الهی، حاج ملا علی اکبر شه میرزادی (ایادی)، جناب ابن اصدق، جناب ابن ابهر، میرزا خلیل ارجمند، حاج آقا محمد علاقه‌بند یزدی، آقا سید حسن هاشمی‌زاده (متوجه)، و جناب رحیم ملا باخاج تشکیل شده بود و جمعی از علما و ملاهای یهود از جمله ملا حیم موره و ملا ابراهام ربنو و ملا یعقوب بابایی و برادرش، الی صافان و ملا العازار حیم و ملا دانیال (پدر عزیزالله عزیزی) نیز حاضر بودند، مذاکرات تبلیغی جریان داشت و چون مجلس نظم و ترتیبی نداشت جناب حاج مهدی ادامه مذاکرات را مشروط به شرایط ذیل نمودند:

۱- حضرات یهود یک نفر را در بین خود که از سایرین ممتاز باشد انتخاب نمایند تا فقط او طرف صحبت باشد.

۲- آنچه طرفین اظهار می‌دارند تندنویسی شود تا در آینده مورد استفاده دیگران قرار گیرد.

۳- پس از خاتمه مذاکرات همگی ذیل اوراق را امضا کنیم تا برای آیندگان شبه‌های نماند.

با این شرایط موافقت شد و رحیم ملا باخاج از جانب طرفین برای تندنویسی انتخاب می‌شود. سپس حاج مهدی شروع به مذاکره نمود و سؤالاتی را مطرح ساخت و برای جواب‌هایی که داده می‌شد از حضرات یهود امضا گرفت و بالاخره چون علمای یهود از هر طرف مجاب می‌شدند اظهار داشتند که از ما درگذرید، موسی به دین خود، عیسی به دین خود. ما با شما کاری نداریم. شما هم با ما کاری نداشته باشید زیرا ما نمی‌توانیم در این سن و سال دست از دامن دین آباء و اجداد خود برداریم. این جلسه تا طلوع آفتاب به طول انجامید و منجر به علنی شدن ایمان عزیزالله عزیزی و تشکیل جلسات امری و تبلیغی در منزلشان گردید. بنا بر اظهار جناب عزیزی صورت مذاکرات مزبور در خانواده عبدالله گلشن موجود است.^{۱۳}

تبلیغ جناب صدر الصدور

یکی دیگر از خدمات مهم تبلیغی حاج مهدی مذاکراتی است که با جناب صدر الصدور قبل از اقبال ایشان به امر در همدان داشته‌اند و نصرالله رستگار در کتابی که در شرح احوال جناب صدر الصدور تألیف و منتشر نموده^{۱۴} آن را شرح داده و موسی امانت شرح مزبور را به نحو ذیل تلخیص نموده است:

«حکیم موشه حیم که طیب خانواده جناب صدر الصدور بوده روزی به عیادت ایشان می‌رود و

جناب صدر الصدور ایشان را به قبول اسلام دعوت می‌فرمایند. جناب حکیم اظهار می‌دارند طایفه جدید بهائی معتقدند که قائم موعود ظاهر گشته و من در صدد تحقیق هستم. اگر بتوانید جواب آنها را بدهید و مراقب کنید مسلمان خواهم شد. حضرت حاجی صدر اظهار تمایل می‌فرمایند که با مبلغین بهائی مذاکره نمایند. لهذا با صواب دید و جوه احباً مقرر می‌گردد که جناب حاجی مهدی ارجمند که از مبلغین و دانشمندان امرند به اتفاق جناب محمد علی حصارى که از مؤمنین اولیه امر در همدان بوده‌اند در منزل جناب ارجمند با ایشان مذاکره نمایند. جناب ارجمند باب سی و سوم سفر تثنیه تورات را که بشارت به چهار ظهور حضرت کلیم و حضرت مسیح و حضرت رسول و حضرت بهاء الله است قرائت و استدلال به حقایق ظهور مبارک می‌نمایند. این مجلس بدون قیل و قال، دوستانه و مؤدبانه انجام می‌یابد. حضرت حاجی صدر اظهار می‌دارند من عازم طهران هستم. یک نفر از دوستان خود را به من معرفی کنید تا با علمای این طائفه ملاقات و مجاهده نمایم. لهذا به میرزا سلیمان سمسار که در سبزه میدان دکان داشته معرفی می‌شوند و ایشان وسیله ملاقاتشان را با حضرات ایادی امرالله و مبلغین مهم آن دوره فراهم می‌سازند و منجر به ایمان گردیده و سپس قیام به تبلیغ و تأسیس کلاس درس تبلیغ می‌فرمایند.»

موسی امانت به نقل از یادداشت‌های تاریخی حاجی یوحنا خان نوشته است:

«در طهران روزی با آقا مهدی رفیعا به زیارت جناب صدر الصدور مشرف شدیم و روز دیگر در منزل آقا میرزا حبیب شمس الحکما [برادر حاجی مهدی ارجمند] خدمتشان مشرف گشته در آن جلسه جناب فاضل شیرازی و حاجی امین و آقا محمد علی بلور فروش بودند. بیانات ایشان و تحقیقاتی که در باره امر فرموده بودند انسان را به اهتزاز می‌آورد. از جمله به آقا مهدی گفتند: باعث تصدیق من شما و حکیم موسی شدید؛ باید از شما تشکر کنم.»

اقدامات تبلیغی در بهار همدان

در سال ۱۳۰۶ ه. ق. (۱۸۸۸ م.) حاج مهدی به فتح روحانی دهکده بهار همدان و تبلیغ امرالله در آن نقطه قیام نمود و به موفقیت‌های شایانی نائل گردید که منجر به ایجاد جامعه بهائی در بهار همدان شد. نخستین نفسی که در بهار در اثر اقدامات تبلیغی حاج مهدی به امر مبارک اقبال نمود شیخ احمد خان بود و از قراری که اشراق خاوری در یادداشت‌های مربوط به وقایع سال ۱۳۰۷ ه. ق. نگاشته است:

«آنچه شیخ احمد خان را در آغاز بر تحری حقیقت گماشت و به تحقیق واداشت سخنان آقا محمد شیر علی زنجانی بود. از اثر صحبت وی شیخ احمد خان به راه تحقیق افتاد و آخر کار به

وسیلۀ حاجی مهدی ارجمند در همدان به تصدیق فائز و به سعادت ابدیۀ فائز گردید و چون شیخ احمد از صهبای عرفان آشامید به تبلیغ کمر بست و نفوسی چند به توسط او نسبت به نقطه حقیقت عارف شدند...»^{۱۵}

تبلیغ رضا قلی خان سرور شهیدا

بنا بر یادداشت‌های تاریخی اشراق‌خاوری مربوط به سال ۱۲۷۶ ه. ش. (۱۸۹۷ م.)

«رضا قلی خان اهل قریه خانباغی بود و در سال مزبور برای خرید بعضی لوازم به همدان وارد شده در منزل استاد محمد علی خیاط شیبی را موعود بود. میرزا یوسف سراج الحکماء داماد بزرگ حافظ الصّحّه هم در آن شب حاضر بود و تا هنگام خواب سخنی از عالم امر به میان نیامد. میرزا یوسف را عادت چنان بود که در خواب صحبت می‌کرد، چنان که هر کس شنیدی پنداشتی در بیداری با کسی صحبت می‌کند. قضا را در آن شب سخنان تبلیغی از وی شنیده می‌شد چنان که گفتم با کسی در مناظره دینی است. مدعوی در اثر صدای وی بیدار شده چراغ افروخته او را در خواب یافتند که مشغول صحبت بود و ناگهانی در همان حال خواب به تلاوت آیات و الواح پرداخت و آوازی بی‌نهایت ملیح و ظریف داشت.»

باری، با صوتی نیکو لوح «یا طیب، قد ظهر الطّبّ الاعظم یداوی الامم...» را تلاوت کرده پس از آن اشعار «زنجیر زلف یوسفی» را خواند. رضا قلی خان میرزا یوسف را بیدار کرد و از او پرسید:

«چه خواب می‌دید که کلمات بدع عجیب ادا می‌کردی؟ میرزا یوسف به هر نحو بود از پاسخ صریح سر باز زد. صبحگاهان که هر یک پی کار خود رفتند میرزا یوسف با بعضی از یاران قضیه را در میان نهاده برای تبلیغ رضا قلی خان آماده شدند... دو شب بعد رضا قلی خان با حاج مهدی ارجمند در منزل حافظ الصّحّه دعوت شدند و پس از شش ساعت صحبت حقیقت بر وی آشکار گردید و شوق و شوری بی‌اندازه در نهادش ظاهر شد و داستان خواب میرزا یوسف را نیز برای حاضران نقل کرد. چون وقت خواب فرا رسید کتابی خواست تا مطالعه کند. کتاب ایقان را به وی دادند. دیگران در آن شب همه در بستر استراحت به راحت مشغول بودند و آن که را خواب نبود پروین در آسمان و رضا قلی خان در زمین بود که همچنان به مطالعه ایقان شریف اشتغال داشت...»

از جمله اقدامات مهم حاج مهدی در زمینه تبلیغ تشکیل کلاس‌های درس تبلیغ در همدان و سپس در طهران بود. پس از آنکه در همدان کلاس درس تبلیغ تشکیل داد بعضی دیگر از احتیای همدان به تأسی از ایشان کلاس‌های مشابهی تشکیل دادند. در لوحی که حضرت عبدالبهاء در این باره خطاب به میرزا مهدی اخوان الصفاء و میرزا حبیب الله (صمیمی قمصری) نازل فرموده‌اند از جمله می‌فرمایند: «و همچنین انجمن‌های درس تبلیغ که جناب آقا مهدی آقا رفیعا و سایر یاران... تشکیل نموده‌اند فی الحقیقه تأسیس بنیان عظیم است و تمهید توسیع صراط مستقیم.» الواح متعددی که به افتخار حاج مهدی عزّ نزول یافته متضمن ابراز تحسین و اظهار عنایت و تشویق وی به امر تبلیغ است. موسی امانت اظهار داشته که به خاطر دارد حاج مهدی متذکر شده بود که بارها کتاب تورات و صحف انبیاء بنی اسرائیل را من البدو الی الختم خوانده بود اما متوجه رموز و اشارات چنان که باید و شاید نشده بود تا وقتی که لوح مبارک ذیل واصل شد. آن گاه کیفیتی دیگر در وجود خود یافت و رموزی از کتب مقدسه کشف نمود که قبل از آن بر او مکشوف نبود و لوح مزبور را از حفظ تلاوت نموده بود.

همدان جناب آقا مهدی رفیعا علیه بهاء الله الابهی

هو الابهی

خدمت در آستان الهی مقبول و محبوب و زحمت و سعیت مشكور. انشاء الله همواره به کمال همت در نشر نفحات الهی کوشی و بیان دلائل و معانی نمائی و بشارات کتب مقدسه انتشار دهی و اشارات از رموز کلمات انبیاء پیدا کنی و علامات مندمجه در هویت آیات را کشف کنی و از برای طالبان بیان نمائی. این خدمت خدمت ابدی است و این همت سبب روشنائی رخت در ملکوت سرمدی. حال چون قریب غروب است به این عبارات اکتفا شد و الا مستحقّ نامه مبسوطی و لایق مکتوب مفصل مشروح. و علیک البهاء. ع.ع.

خانه حاج مهدی چه در همدان و چه در طهران همواره محلّ اجتماع یاران و تشکیل جلسات تبلیغی و کلاس درس تبلیغ بود. حاج مهدی سال‌ها در همدان عضو محفل روحانی آن مدینه بود.

دفاع از امر و تحمّل صدمات

حاج مهدی ارجمند در دفاع از امر الهی و یاران رحمانی که به خصومت و ایذا و آزار اعداء گرفتار می‌شدند همواره پیشقدم بود و با شجاعت و فداکاری و کفایت تام اقدام می‌نمود و در این سبیل دچار مصائب و بلاهای گوناگون گردید و با نهایت صبر و استقامت صدمات وارده را تحمّل نمود و نمونه و

سرمشق والائی برای سایر یاران شد. از جمله می‌توان حوادث ذیل را به عنوان نمونه ذکر کرد:
در سال ۱۸۸۶ م. (۱۲۶۵ ه. ش.) که عضدالدوله از فرزندان فتح علی شاه حکومت همدان را بر عهده داشت مآلای یهود به شخصی که کارگزاری ملل متوعه را داشت از حاج مهدی سعایت و نمایی کردند و از قراری که عزیزالله سلیمانی در مصابیح هدایت نوشته است

«طوری او را بر سر غضب آوردند که حاج مهدی را احضار و فوراً سلمانی حاضر آورده سرش را تراشیدند و چون سرش پر موی بود بعد از تراشیدن کلاه بلندی که از پوست بز برای خود تهیه کرده بود گشاد شد به طوری که ابروهایش را می‌پوشاند و اسباب مسخره اهل کوچه و خنده بازاریان می‌گشت.»

در سال ۱۸۹۱ م. که حکومت همدان با عزالدوله سومین پسر محمد شاه بود روزی حاج مهدی به اتفاق چند تن از احبّا به قصد تفرّج عازم صعود به قلّه کوه الوند شدند. علمای یهود موقع را مغتنم شمرده شکایت به حاکم بردند که بهائیان قصد دارند به قلّه کوه الوند که نزد مسلمین از اماکن مقدّس است اهانت نمایند. حاکم نیز حاج مهدی و همراهانش را جلب نمود و پس از شتم و ضرب به زندان افکند تا پس از چند روز احبّا موفق شدند با پرداخت مبلغی به حکومت آنان را از زندان آزاد نمایند. در سال ۱۳۲۳ ه. ق. (۱۹۰۵ م.) در زمان حکومت سالار السلطنه چهاردهمین پسر ناصرالدین شاه در اثر تبانی میرزا مهدی مجتهد با سیدی شیریر و زشت‌طینت به نام صدر الاشراف که همراه حاکم به همدان آمده بود به منظور اخاذی از احبّا چهار نفر از یاران یعنی حاج مهدی ارجمند و دائی روین و حاجی موسی (مبین) و حاجی سلیمان طیب را شبانه گرفته به دایره حکومتی بردند و پس از شتم و ضرب باکند و زنجیر به زندان افکندند و تهدید کردند که صبح روز بعد آنها را از بلد اخراج خواهند کرد. روز بعد که احبّا به دایره حکومتی مراجعه کردند بنا بر یادداشت‌های تاریخی عبدالحمید اشراق‌خاوری معلوم شد که راه نجات پرداخت جریمه کلانی به صدر الاشراف است. لذا ناچار مبلغی به عنوان جریمه پرداخت نموده محبوسین را آزاد کردند و به تلگرافخانه رفته به مظفرالدین شاه تظلم نموده در همان جا متحصّن شدند تا اینکه پس از نوزده روز امر شاه رسید که موجبات ترضیه خاطر محبوسین و متحصّنین فراهم گردد. بنا بر این از جانب حکومت جریمه‌ای که اخذ شده بود را به احبّا بازپرداخت نمودند.

موسی امانت واقعه ذیل را از فداکاری‌های حاجی مهدی ارجمند از دکتر حبیب الله ثابتی نقل کرده است:

«رَبَّنَا [دختر خاله جناب حاجی مهدی ارجمند] همسر آقا سلیمان زرگر در جوانی دیده از جهان بست و کودکان خردسال خود را بی سرپرست گذاشت. یهودیان همدان مانع دفن وی در قبرستان

یهود شده و با دستیاری مسلمین بنای آزار آقا سلیمان را گذاردند و او را به زندان افکندند. عده‌ای از احبّا را که برای تشییع جنازه حاضر بودند نیز بازداشت نموده پس از گرفتن ۳۰۰ تومان آزادشان ساختند ولی آقا سلیمان را در زندان تحت شکنجه قرار داده پاهایش را آن قدر شلاق زدند که مجروح گردید. جناب حاج مهدی به حمایت از آقا سلیمان اظهار می‌دارد به جای آنکه کسی را که عزادار است و همسر خود را از دست داده و اطفال خردسال و شیرخوار در منزل دارد تسلیت دهید راهی زندانش نموده و به شکنجه و آزارش پرداخته‌اید. اقلّاً او را آزاد کنید تا به سرپرستی فرزندانش بپردازد. ولی این استدعا در دل سنگ ظالمان اثر نمود تا جناب ارجمند حاضر شدند مدّت چهار ماه به جای آقا سلیمان در زندان بمانند تا او مرخص و بتواند به مشکلات داخلی خود سر و سامانی بدهد. مع‌هذا دختر شیرخوار در همان روز می‌میرد.»

و بعد اضافه کرده‌اند که «این فقره نمونه‌ای از از خود گذشتگی و فداکاری جناب ارجمند است که شاید نظایرش کم دیده شده باشد.»

عبدالحمید اشراق‌خاوری در ضمن یادداشت وقایع سال ۱۳۲۹ ه. ق. (۱۹۱۱ م.) شرح تأسیس مدرسه تأیید توسط احبّای همدان و اقدامات مغرضانه زعمای یهود نسبت به تأسیس مذکور را به تفصیل ذکر کرده‌اند. در مذاکراتی که به پیشنهاد سران جامعه یهود بین احبّا و آنان در باره تأسیس حمام مشترکی پیش آمد حاج مهدی ارجمند سخنگوی احبّا بودند و چون در برابر تحمیل نظر سران جامعه یهود به احبّا مقاومت نمودند در اوقاتی که حکومت همدان با مظفرالملک برادر یکی از همسران ظلّ السلطان بود بنا بر آنچه در مصابیح هدایت نقل شده جماعت یهود به اولیای مدرسه یانسن گفتند که حضرات بهائی به مدرسه شما به نظر حقارت می‌نگرند و به مدیر و معلّمانش اهانت می‌نمایند. بر اثر این القائات دو نفر خانم فرانسوی که در مدرسه یانسن تدریس می‌کردند به حاکم شکایت نمودند و تنبیه بهائیان را خواستار شدند. حاکم ابلاغیه‌ای به مدرسه تأیید صادر کرد به این مضمون که باید تابلوی مدرسه را پائین بیاورید و در عوض بر سردر مدرسه بنویسید که به سبب بی‌احترامی به مدرسه یانسن تا ده روز مدرسه تعطیل است. احباب قبول نکردند و بلافاصله جناب ارجمند را با دو نفر دیگر به طهران فرستادند و آنها شش ماه در طهران کوشیدند تا حاکم را معزول کردند.

یک بار هم حاج مهدی مورد ایدای مسیحیان واقع شد بدین ترتیب که چند نفر از معاندین آن قوم رئیس تلگرافخانه را تحریک نمودند و او تنی چند از سادات مبغض و چند نفر از افراد مسؤول سیم‌کشی را به منزل حاج مهدی فرستاد و آنها به دستور رئیس بهانه‌جویی کرده حاج مهدی را مضروب و مجروح ساختند به قسمی که ده روز بستری گردید.

حاج مهدی گرچه محققى مبرز و مبلغى توانا و موفق بود و اطلاعات وسیع و کم نظیری از کتب مقدسه ادیان گذشته داشت اما چندان به تحریر و تألیف نمی پرداخت و آنچه که تألیف نموده معدودند و فقط اهم آنها که کتاب گلشن حقایق است طبع و نشر شده است. این کتاب چنان که قبلاً شرح داده شد مورد تحسین و تمجید حضرت عبدالبهاء قرار گرفته از کتب معروف استدلالی محسوب می گردد.

بنا بر آنچه حاج مهدی در مقدمه کتاب گلشن حقایق ذکر نموده

«... مطالبی که در آن مجالس [جلسات محاوره با دکتر هلمز] ذکر شد در السن و افواه شهرت یافت و چون آن مسائل و دلائل مذکوره در آن محافل موجب تنبه و بصارت اولو البصائر است نخواستیم که زائل و محو گردد. بلکه به قید کتابت آوردم تا به معرض نظر عموم آید، شاید به تأییدات الهیه سبب تنبه جمعی شده و خدمت به عالم دیانت و بنی نوع به عمل آید. لذا خلاصه و جوهر مطالب مذکوره در آن جلسات را در این رساله مرتب ساخته و بعضی مطالب مفیده دیگر نیز که به نظر رسیده به آن منضم نموده و آن را به نام "گلشن حقایق" موسوم ساخت.»^{۱۶}

حاجی مهدی در آخر کتاب که در سالهای جنگ جهانی دوم در طهران به طبع رسیده نوشته است: «و قد فرغ من تألیف هذا الكتاب مؤلفه الفقیر الحاج مهدی ابن رفیعا ارجمند فی بلدة همدان فی سنة ۱۳۳۵ من الهجرة النبویة. مطابق سال ۷۵ سنه بدیع.»^{۱۷} بدین ترتیب تألیف کتاب بیست سال بعد از محاورات و مباحثات با دکتر هلمز انجام پذیرفته. عبدالحمید اشراق خاوری در یادداشت های تاریخ امری همدان در ضمن وقایع سال ۱۲۷۸ ه. ش. (۱۳۱۷ ه. ق.) نوشته است که در آن سال میرزا محمود زرقانی مؤلف کتاب بدائع الآثار «در تنظیم کتاب حاج مهدی ارجمند مشارکت نموده است.» حاج میرزا یوحنا خان حافظی نوشته است که «این کتاب به کمک جناب میرزا محمود زرقانی و جناب آقا شیخ محسن دبیر مؤید نائینی به صورت کتابی درآمد که آن را گلشن حقایق نام نهادند.» ظاهراً همکاری میرزا محمود زرقانی و محسن دبیر مؤید حدود چهار سال بعد از جلسات محاوره با دکتر هلمز انجام گرفته. بنا بر آنچه عزیزالله سلیمانی در مصابیح هدایت نوشته است در جلسات محاوره با دکتر هلمز جمیع مطالب نوشته می شد و در آخر مجلس به امضای طرفین می رسید و

«اوراق امضاء شده جمع آوری و تنظیم گردید و به صورت کتابی استدلالی درآمد در نهایت متانت و نفاست که به نظر بنده کتاب مذکور صرف نظر از دو یا سه موضع آن که از قلم مبارک مرکز میثاق جلّ ثنائه به نحو دیگری تفسیر گردید برای رهبری یهود و نصاری همان اهمّیت را دارد که کتاب حضرت ابوالفضائل [فزاد] برای هدایت اهل اسلام دارد. باری، چون ارجمند آن

کتاب را حاضر و مرتب نمود و جریان را به ساحت اقدس معروض داشت لوح مبارک در جوابش نازل گردید.»^{۱۸}

لذا تنظیم تألیف در سال ۱۳۳۵ ه. ق. (۱۹۱۶ م.) انجام گرفته و به حضور حضرت عبدالبهاء تقدیم شده است. اما طبع و نشر کتاب مربوط به سال‌های جنگ جهانی دوم است یعنی زمانی که حاج مهدی در طهران اقامت داشت و دستنویس کتاب را با معاضدت جناب علی الله نخجوانی برای طبع و نشر تکمیل و تصحیح و آماده نمود. این کتاب بار اول در مطبوعه مهرگی در طهران چاپ و منتشر شده است و سپس در سال ۱۳۲ ب. توسط مؤسسه ملی مطبوعات امری و پس از آن برای بار سوم در سال ۱۹۸۲ م. توسط کلمات پرس در امریکا تجدید طبع شده است.

کتاب گلشن حقایق علاوه بر مقدمه و خاتمه مشتمل بر ۳۴ باب است که در چهار فصل تنظیم شده است. فصل اول دارای پنج باب در شرح کیفیت ایمان مؤلف به امر بهائی و ذکر اوهام و حجباتی است که در ظهور هر مظهر امری سبب غفلت و مخالفت ملل و اقوام می‌گردد. فصل دوم دارای نه باب و در اثبات حقیقت مظاهر مقدسه الهیه و آثار و کلمات و تعالیم آنان است. فصل سوم دارای یازده باب و در بیان مقام و ادعای حضرت بهاء الله و ادله و براهین اثبات آن است. فصل چهارم دارای نه باب و در بارهٔ بشارات و مواعید کتب مقدسه نسبت به یوم ظهور و علامات تورات در ظهور حضرت مسیح و در اثبات حضرت محمد است.

این کتاب را در واقع می‌توان کتاب مرجع برای بشارات و مواعید و علامات ظهور در کتاب مقدس و قرآن مجید محسوب داشت.

موسی امانت در یادداشت‌های خود سایر تألیفات حاج مهدی ارجمند را که تاکنون به طبع نرسیده است به نحو ذیل معرفی کرده است:

۱- شرح بعثت نبی مثل موسی و علامات و بشارات مندرجه در کتب مقدسه و بروز و ظهور آن در یوم ظهور امر بدیع.

۲- رساله‌ای در رد ادعای بعضی علمای اسرائیل که یوشع ابن نون را نبی مثل موسی و موعود تورات دانسته‌اند.

۳- جزوه استدلالی در بیان کیفیت احیای اموات.

۴- جزوه استدلالی در بیان کیفیت رجعت اسرائیل از دریای مصر در نجات ثانی.»

موسی امانت اضافه کرده که سواد عکسی از نسخ خطی این تألیفات را از یعقوب طلوعی از کانادا دریافت کرده است.

حاج مهدی ارجمند در ۴ آذر ماه ۱۳۲۰ ه. ش. مطابق ۲۵ نوامبر ۱۹۴۱ م.، در سن ۸۰ سالگی در طهران به ملکوت ابهی صعود نمود و در گلستان جاوید طهران مدفون گردید، علیه رضوان الله. جمال قدم جلّ ذکرة الاعظم در لوح مبارکی که به افتخار آقا شیخ محمد نازل شده و مطلع آن «بسم ربنا الاقدس الاعظم العلیّ الابهی - حمد حضرت مقصود عالمیان را لایق و سزا...» می‌فرمایند: «و نذکر مهدی و نبشّره بذکری ایّاه نسل الله ان یفتح علی وجهه و وجوه اولیائی ابواب البرکة و العطاء و العزّة و الثروة و العلاء انه هو مولی الوری و ربّ الآخرة و الولی...»

خاندان حاج مهدی ارجمند

حاج مهدی با طاووس خانم از احتای همدان ازدواج کرد و سه فرزند داشت: دو دختر به اسامی بدیعه نویدی و لمیعه سنائی (رضوانی) و یک پسر به نام حبیب الله ارجمند که جملگی با فرزندان و نوادگان خود در ظلّ امر به خدمات باهره موفق بوده و هستند. دکتر حبیب الله ثابتی در استرالیا شجره‌نامه کامل خاندان حاج مهدی ارجمند را تهیه نموده است.

فرزندان حبیب الله ارجمند، هوشنگ ارجمند، پری محبوبیان، مهین بنایان، محبوبه ارجمند، رؤیا میثاقی و سهراب ارجمند در سال ۱۹۹۲ م. صندوق یادبود حاج مهدی ارجمند را به منظور تشویق اهل تحقیق در آثار مقدسه ادیان بنیان نهادند.

الواح مبارکه به افتخار حاج مهدی و منتسبین

طبق فهرستی که موسی امانت تهیه کرده است دو لوح از آثار قلم اعلی و هفت لوح از قلم مرکز میثاق به افتخار حاج مهدی ارجمند و دو لوح از قلم مرکز میثاق به افتخار همسر ایشان طاووس خانم نازل شده است.

الواح مبارک به افتخار جناب حاج مهدی ارجمند

الف - از آثار قلم اعلی جمال اقدس ابهی:

۱- «هو المنادی فی سدرۃ الاسان - یا مهدی، امروز سدره به قد اتی الحق ناطق...» متن این لوح مبارک در صفحه ۱۴۹ زیب این اوراق گردیده است.

۲- قسمتی از لوح مبارک با مطلع «بسم ربنا الاقدس الاعظم العلیّ الابهی - حمد حضرت مقصود عالمیان را لایق و سزا...»

ب - از یراعه حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه:

- ۳- «ای بنده حضرت ابهی و سهیم و شریک عبدالبهاء...»
 ۴- «ای سلیل خلیل، امروز روز پاکی و آزادگی است...»
 ۵- «ای مروج دین الله، هرچند سفر بدیع تا به حال نرسیده...»
 ۶- «ای جناب رفیع ربیع بدیع، بین که چقدر رفیعی...»
 ۷- «ای بنده الهی، ورق مسطور رق منشور گردید...»
 ۸- «خدمت در آستان الهی مقبول و محبوب...»
 ۹- «ای ثابت بر میثاق، شکر کن رب جلیل را...»

الواح مبارک به افتخار منتسبین

از یراعه حضرت عبدالبهاء جل ثنائه:

- ۱- «ای امة الله، خوشا به حال تو...»
 ۲- «ای امة الجلیل، حضرت خلیل چون کوكب منیر...»

یادداشت‌ها

- ۱- موسی امانت، کیفیت اقبال یهودیان همدان به دیانت بهائی، پیام بهائی، شماره ۲۱۰، مه ۱۹۹۷ م، صص ۱۹-۲۴، این جا صص ۲۲-۲۳.
 ۲- ایضاً، ص ۲۲.
 ۳- این لوح در صفحه ۱۴۴ این کتاب درج شده است.
 ۴- ر. ک. شرح حال جناب حاج مهدی ارجمند مندرج در مصابیح هدایت تألیف جناب عزیزالله سلیمانی (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۱۶ ب.)، ج ۴، صص ۴۴۷-۴۶۷.
 ۵- ر. ک. یادداشت‌های موسی امانت در احوال حاج مهدی ارجمند و خاندان او، سخنرانی در «مجمع عرفان» (مدرسه گرین ایگر، امریکا، نوامبر ۱۹۹۴ م.).
 ۶- حاج مهدی ارجمند، گلشن حقایق (لوس آنجلس: کلمات پرس، ۱۹۸۲ م.)، ص ۵.
 ۷- ایضاً، صص ۵-۶.
 ۸- اسدالله فاضل مازندرانی، ظهور الحق (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۲ ب.)، ج ۸، قسمت دوم، ص ۸۸۷.
 ۹- مصابیح هدایت، ج ۴، صص ۴۴۷-۴۴۸.
 ۱۰- ایضاً، ص ۴۶۲.
 ۱۱- عزیزالله سلیمانی در مصابیح هدایت، ج ۴، ص ۴۶۱ می‌نویسد: «هفته دو روز یک روز در خانه ارجمند و روز دیگرش در منزل مستر هلمز مجلس منعقد می‌گردید و در آن مجالس علاوه بر چند نفر منشی و مترجم عده‌ای از احباب و جمعی هم از کلیمی و مسیحی و اسلامی حضور داشتند... و مدت دو سه آن مجالس ادامه یافت.»
 ۱۲- یادداشت‌های موسی امانت در احوال حاج مهدی ارجمند و خاندان او.
 ۱۳- عزیزالله عزیزی، تاج وهاج. خاطرات جناب عزیزالله عزیزی. تهیه و تنظیم دکتر ذبیح‌الله عزیزی، چاپ سوم

- (دهلی نو: مؤسسہ چاپ و انتشارات مرآت، ۱۵۱ ب.، ۱۹۹۴ م.)، صص ۴۳-۴۸.
- ۱۴- نصرالله رستگار، تاریخ حضرت صدر الصدور (طهران: مؤسسہ ملی مطبوعات امری، ۱۳۱ ب.).
- ۱۵- عبدالحمید اشراق خاوری، تاریخ امری ہمدان (خطی).
- ۱۶- گلشن حقایق، صص ۳-۴.
- ۱۷- ایضاً، ص ۳۰۳.
- ۱۸- مصابیح ہدایت، ج ۴، ص ۴۶۲.